

بررسی میزان شیوع و علل افسردگی در میان دانش آموزان مدارس متوسطه شهرستان اردبیل

نویسندگان: دکتر رسول روشن* و دکتر محمد نربمانی**

* استادیار گروه روان‌شناسی دانشکده علوم انسانی دانشگاه شاهد

** استادیار گروه روان‌شناسی دانشکده علوم انسانی دانشگاه محقق اردبیلی

چکیده

در هر لحظه از زمان، حدود ۱۵ تا ۲۰ درصد از افراد بزرگسال جامعه، عوارض و نشانه‌های مختلف افسردگی را از خود بروز می‌دهند. هدف اصلی این پژوهش، دستیابی به میزان شیوع افسردگی و علل آن بوده است. برای رسیدن به این هدف از میان ۱۴۰۷۱۳ نفر دانش‌آموز پسر دوره متوسطه در شهرستان اردبیل، ۹۶۷ نفر از بین ده مدرسه دولتی، غیرانتفاعی، نمونه مردمی، شاهد، نمونه دولتی و ایثارگران به‌عنوان نمونه مورد مطالعه انتخاب شدند. در مرحله بعد، آزمون افسردگی بک (فرم ۲۱ سؤالی) و پرسشنامه ویژگی‌های فردی (محقق ساخته) به‌صورت گروهی در مورد آن‌ها اجرا شد. اهداف پژوهش عبارت بودند از: ۱) آگاهی از میزان بروز افسردگی در میان دانش‌آموزان پسر، ۲) شناسایی بیماران افسرده‌ای که نیاز به خدمات روان‌درمانی داشتند.

نتایج مطالعه نشان داد که حداقل ۲۶ درصد از دانش‌آموزان شرکت‌کننده در این مطالعه، دارای افسردگی متوسط و بالاتر هستند که درصد بسیار اندکی از آن‌ها برای درمان به مراکز درمانی مراجعه کرده‌اند (۳۱ نفر). براساس یافته‌های این پژوهش، میانگین افسردگی در دانش‌آموزان پایه چهارم متوسطه، بالاتر از پایه‌های دیگر تحصیلی است و افسردگی دانش‌آموزان با متغیر نوع مدرسه نیز ارتباط دارد. همچنین کمترین میزان افسردگی در میان دانش‌آموزان مدارس نمونه مردمی، دولتی و غیرانتفاعی است و بالاترین میزان افسردگی در میان دانش‌آموزان مدارس شاهد و ایثارگر مشاهده می‌شود.

واژه‌های کلیدی: افسردگی، همه‌گیرشناسی، ایران، اردبیل، دانش‌آموزان پسر

دوماهنامه علمی - پژوهشی

دانشگاه شاهد

سال نهم - شماره ۳۹

تیر ۱۳۸۱

توجه به روش پژوهش مطالعه حاضر که توصیفی و همبستگی است و با توجه به این که در این گونه مطالعات، برای انجام مقایسه کوچک ترین زیر گروه باید حداقل ۳۰ عضو موجود باشد، تصمیم گرفته شد تا نمونه ای به حجم ۹۶۷ نفر انتخاب گردد.

اما در زیر گروه های دیگر به نسبت هر کدام از زیر گروه ها در پایه های اول، دوم و سوم و چهارم مقطع متوسطه، برابری نسبت نمونه آماری انتخاب شده با نسبت حجم جامعه آماری مراعات شده و زمانی که این نسبت کم تر از ۲۰ نفر بوده، سعی شده حداقل در هر زیر گروه ۱۵ نفر به عنوان نمونه تحقیق انتخاب شوند. در گام بعدی با توجه به این که تعداد هنرستان ها و مدارس دولتی و غیرانتفاعی ۲۵ مدرسه بوده، نزدیک به ۴۰ درصد از مدارس با استفاده از نمونه گیری خوشه ای، به عنوان نمونه مورد مطالعه انتخاب شدند. در گام سوم، بعد از انتخاب مدارس به عنوان نمونه مورد مطالعه، نمونه گیری با توجه به تعداد کلاس ها در هر پایه تحصیلی صورت گرفت؛ یعنی از کل کلاس های هر پایه در هر مدرسه، ۵۰ درصد کلاس ها با استفاده از روش نمونه گیری خوشه ای، انتخاب شدند و در مرحله آخر، انتخاب حجم نمونه مشخص از هر کلاس، با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی ساده صورت گرفت.

ابزار جمع آوری اطلاعات و ویژگی های روان سنجی

آن ها: ابزارهای مورد استفاده در این مطالعه، عبارت بود از: پرسشنامه ۲۱ سؤالی افسردگی بک [۷]، و پرسشنامه ای که از ۴۲ سؤال تشکیل می شد و برای به دست آوردن ویژگی های فردی اجتماعی آزمودنی ها و دستیابی به عوامل احتمالی افسردگی در دانش آموزان توسط محقق تهیه شده بود. پایایی آزمون بک با استفاده از روش دو نیمه کردن ۰/۹۳ بود و مطالعه (مهریار ۱۳۷۶)، به نقل از عناصری، (۱۳۷۳) [۸] نشان می دهد که همبستگی آزمون افسردگی بک با آزمون افسردگی زونگ ۰/۶۵ است.

شیوه جمع آوری اطلاعات و نوع تحقیق: بعد از نمونه گیری و انتخاب نمونه های مورد نظر، در جمع آوری اطلاعات، به ترتیب به اجرای پرسشنامه محقق ساخته و

ارزشمندی می گردد (کرک و کلارک، ۱۹۸۹، به نقل از قاسم زاده، ۱۳۷۶) [۳]. همچنین نتیجه مطالعه خلدایی (۱۳۷۵) [۶] نشان می دهد که افسردگی دانش آموزان دوره متوسطه با سابقه مردودی، فقدان حمایت افراد خانواده، فقدان تشویق در خانواده، بی توجهی والدین، پایه تحصیلی و نوع مدرسه ای که دانش آموزان در آن تحصیل می کنند مرتبط است؛ یعنی میانگین نمرات دانش آموزانی که در مدارس ایثارگران تحصیل می کنند، در آزمون افسردگی بک بالاتر از دانش آموزان دیگر مدارس است. اما سؤالات اصلی این مطالعه را به شرح زیر است:

۱. شیوع افسردگی در میان دانش آموزان به چه میزان است؟

۲. آیا متغیر پایه تحصیلی با بروز افسردگی در دانش آموزان دوره متوسطه مرتبط است؟

۳. آیا بین نوع مدرسه و میزان افسردگی در دانش آموزان ارتباطی وجود دارد؟

در این مطالعه، هدف اصلی، آگاهی از میزان شیوع افسردگی در میان دانش آموزان پسر مشغول به تحصیل در دبیرستان های شهر اردبیل در سال تحصیلی ۷۷-۱۳۷۶ و دستیابی به رابطه بین متغیرهایی چون پایه تحصیلی و نوع مدرسه دانش آموزان با پدیده افسردگی در آنها است.

روش

جامعه آماری این مطالعه را دانش آموزان پسر مشغول به تحصیل در دبیرستان های شهر اردبیل در سال تحصیلی ۷۷-۱۳۷۶ تشکیل می داد. این افراد در ۲۹ دبیرستان تحصیل می کردند. از این تعداد، پانزده دبیرستان و هنرستان فنی حرفه ای و کشاورزی دولتی، ده مدرسه غیرانتفاعی و بقیه از مدارس نمونه مردمی، نمونه دولتی، شاهد و ایثارگران بودند. در سال تحصیلی ۷۷-۱۳۷۶ تعداد دانش آموزان مشغول به تحصیل در دبیرستان های پسرانه شهرستان اردبیل ۱۴/۷۱۳ نفر بوده است.

در مطالعه حاضر، از روش نمونه گیری خوشه ای، تصادفی و طبقه ای نسبی در مراحل مختلف نمونه گیری استفاده شده است. از کل دانش آموزان (جامعه آماری) ۹۶۷ نفر به عنوان نمونه مورد مطالعه انتخاب شدند. با

جدول ۲ رابطه بین نوع مدرسه با میزان افسردگی در دانش آموزان

نوع مدرسه	درجات افسردگی					
	طبیعی	خفیف	متوسط	شدید	عمیق	فراوانی درصد
شاهد	۱۳۱	۶۴	۴۷	۱۶	۸	۲۶۶
	۴۹/۲	۲۴/۱	۱۷/۷	۶	۳	۲۷/۶
دولتی	۱۵۱	۱۲۹	۷۴	۳۹	۸	۴۰۱
	۳۷/۷	۳۲/۲	۱۸/۵	۹/۷	۲	۴۱/۶
نمونه دولتی	۴۱	۱۶	۹	۲	۰	۶۸
	۶۰/۳	۲۳/۵	۱۳/۲	۲/۹	۰	۷/۱
غیرانتفاعی	۲۷	۳۰	۱۱	۲	۱	۷۵
	۳۸	۴۲/۳	۱۵/۵	۲/۸	۱/۴	۷/۴
نمونه مردمی	۵۴	۱۵	۸	۲	۰	۷۹
	۶۸/۴	۱۹	۱۰/۱	۲/۵	۰	۸/۲
ایثارگران	۳۲	۱۵	۲۰	۵	۵	۷۷
	۴۱/۶	۱۹/۵	۲۶	۶/۵	۶/۵	۸
کل	۴۳۶	۲۷۰	۱۶۹	۶۶	۲۲	۹۶۷
	۴۵/۳	۲۸	۱۷/۵	۶/۹	۲/۳	۱۰۰

X²: ۶۳/۷ درجه آزادی: ۲۴

سطح معنادار: ۰/۰۰۰۰۰

سطح معنادار: ۰/۰۰۰۰۲

V کریمر: ۰/۱۲

جدول ۳ تحلیل واریانس یک عاملی نوع مدرسه (دولتی، غیرانتفاعی، نمونه دولتی، نمونه مردمی، ایثارگران، شاهد مدارس شاهد و غیرشاهد مدارس شاهد) بر مبنای نمرات آزمون بک

منبع تغییرات	درجه آزادی	مجموع مجذورات (SS)	میانگین مجذورات (MS)	F
بین گروهی	۶	۴۰۸۹	۸۱۷/۸	*۸/۱۳
درون گروهی	۹۵۶	۹۶۱۹۹/۷	۱۰۰/۶	—
کل	۹۶۲	۱۰۰۲۸۸/۸	—	—

جدول ۴ آزمون تعقیبی توکی برای مقایسه میانگین‌ها

ردیف	گروه‌ها	میانگین‌ها	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
۱	شاهد مدارس شاهد	X1=۱۷/۱	—	—	—	—	—	—	—
۲	دولتی	X2=۱۵/۰۱	—	—	—	—	—	—	—
۳	نمونه دولتی	X3=۱۰/۱۷	*	*	—	—	—	—	—
۴	غیرانتفاعی	X4=۱۲/۶۹	*	*	*	—	—	—	—
۵	نمونه مردمی	X5=۸/۹۶	*	*	*	*	—	—	—
۶	ایثارگران	X6=۱۶/۴۹	*	*	*	*	*	—	—
۷	غیرشاهد مدارس شاهد	X7=۱۱/۱۴	*	*	*	*	*	*	—

* علامت ستاره نمایانگر معنادار بودن تفاوت بین میانگین‌ها است.

تحصیلی مرتبط است. نتایج این مطالعه نشان داد که میزان افسردگی دانش‌آموزان با عامل مدرسه نیز مرتبط است و آن نوع مدرسه‌ای است که دانش‌آموزان در آن تحصیل می‌کنند. به طوری که ملاحظه می‌شود بیش‌ترین فراوانی و نسبت افسردگی در مدارس ایثارگران (۳۹ درصد) و کم‌ترین میزان (۱۳ درصد) در مدارس نمونه مردمی است. شاید یکی از علل بالا بودن این نسبت در میان دانش‌آموزان ایثارگر، وجود تجارب استرس‌زا در حیات گذشته این دانش‌آموزان باشد. وجود جانبازان و رزمندگانی که در آن مدرسه تحصیل می‌کنند و بیش‌تر آن‌ها حوادث استرس‌زایی، چون معلولیت و جبهه‌های جنگ را در گذشته تجربه کرده‌اند، نقش مهمی در بالا بودن نسبت افسردگی در مدرسه ایثارگران دارد. مطالعه حاضر نشان می‌دهد که میزان افسردگی شدید در مدارس شاهد، از مدارس نمونه دولتی، غیرانتفاعی و نمونه مردمی بالاتر است. هرچند دانش‌آموزان شاهد در گذشته خود، فقدان پدر و از دست دادن وی را احساس کرده‌اند، اما برای دانش‌آموزان دوره متوسطه که در مرحله نوجوانی هستند فقط فقدان پدر دردناک نیست، بلکه ارتباط نامطلوب بین پدر و مادر به همان میزان و شاید بیش‌تر از فقدان والدین، زمینه بروز افسردگی را برای دانش‌آموزان مهیا می‌سازد. شاید بتوان گفت که در کنار عامل فوق، عامل احساس ارزشمندی نیز در پیشگیری از اختلال افسردگی مؤثر است که به‌طور ضمنی بدان اشاره شد.

دومین عامل استرس‌زا از نظر بک، رخدادها و حوادث مهمی هستند که فشارزا تلقی می‌شوند؛ مثل از دست دادن یکی از دو والدین یا یک دوست نزدیک. بین وجود حوادث مهم در زندگی با میزان افسردگی در دانش‌آموزان، ارتباط معنادار وجود دارد و فراوانی موارد افسردگی در دانش‌آموزانی که حوادث مهم ناخوشایند را تجربه کرده‌اند، بالاتر از دانش‌آموزانی است که چنین تجربه‌ای را گزارش نمی‌کنند.

دومین سؤال مطالعه حاضر این بود که آیا بین متغیر پایه تحصیلی با افسردگی دانش‌آموزان ارتباط معنادار وجود دارد یا نه. نتیجه مطالعه نمایانگر آن است که میزان افسردگی در دانش‌آموزان پایه سوم و چهارم بالاتر از

دانش‌آموزان پایه اول و دوم است که شاید بتوان علت بالا بودن میانگین افسردگی در دانش‌آموزان پایه سوم و چهارم را به فشار تحصیلی بیش‌تر و اضطراب کنکور در آن‌ها منتسب کرد. این یافته با نتیجه مطالعه خدایی (۱۳۷۵) نیز همخوانی دارد [۶].

اگر به تحلیل نتایج آزمون برگردیم و نتایج موجود در جدول ۲ را مرور کنیم ملاحظه می‌شود که در آزمون بک، قریب به ۲۵۶ نفر (۲۷ درصد) حالات افسردگی متوسط و بالاتر نشان می‌دهند که داشتن حالات افسردگی با این درجه، نمایانگر نیاز افراد به دریافت خدمات روان‌شناختی و روان‌پزشکی است. اما وقتی که از دانش‌آموزان سؤال شد آیا تا به حال به روان‌پزشک یا روان‌شناس مراجعه کرده‌اید یا نه؟ فقط ۳۰ نفر به این پرسش جواب دادند که از میان افرادی که به روان‌پزشک یا روان‌شناس مراجعه کرده بودند ۱۷ نفر، حالات افسردگی متوسط و بالاتر داشتند. این امر نشان می‌دهد که قریب به ۲۳۸ مورد از آزمودنی‌ها که حالات افسردگی متوسط و بالاتر دارند و نیاز به دریافت خدمات روان‌درمانی در آن‌ها احساس می‌شود تا به حال به هیچ روان‌شناس یا روان‌پزشکی مراجعه نکرده‌اند.

فرجام سخن این‌که یافته حاضر، ضرورت ارائه خدمات روان‌شناختی و روان‌پزشکی را به دانش‌آموزان افسرده نشان می‌دهد.

منابع

1. Lewinsohn, P. M. The behavioral study and treatment of depression. *prog. behav. modifi*, 1, 19-65.1978.
۲. نیکخو و همکاران (مترجمان) DSM-IV راهنمای تشخیصی و آماری اختلالات روانی (چاپ ۱۹۹۴) انجمن روان‌پزشکی امریکا، تهران، انتشارات سخن؛ ۱۳۷۵.
۳. قاسم‌زاده، حبیب‌الله (مترجم) رفتار درمانی شناختی (تالیف کرک و کلارک، ۱۹۸۹). تهران، انتشارات ارجمند، ۱۳۷۶.
۴. وهابزاده و همکاران؛ (مترجمان) مختصر روان‌پزشکی (تالیف ریس، ۱۹۸۲) تهران، نشر دانشگاهی؛ ۱۳۶۴.
5. Mclean, p. Therapeutic decision-making in the behavioral treatment of depression. In. P. O. Davidson, ed. The behavioral management of anxiety, Depression and pain. New york: Brunner maze, 1976.